

طرح نو

شهرود

۹

توسعه فعالیت
خیریه‌ها،
توسعه اجتماعی

لزوم تجدیدنظر
خیریه‌ها در افکار
و اندیشه‌های خود



نگاه فرهنگی

معنای اصیل وفاق و همدلی

قاسم پورحسن

دانشیار و عضو هیات علمی
دانشگاه علامه طباطبائی

رسیدن به وفاق اجتماعی آرمانی است که جوامع در پی آن هستند. آرمانی در چارچوب توافق بر سر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها. در بحث اجتماع و مناسبات اجتماعی و به‌طور خاص در زمینه وفاق اجتماعی دورویکرد داریم؛ یکی رویکرد جامعه‌شناسانه است که من آن را نگاه خردگروانه یا خردانگاره می‌دانم. در این رویکرد ما به‌طور خاص یک واقعه یا پدیده را نگاه می‌کنیم و براساس آن پدیده، نظریه‌ای را شکل می‌دهیم. یعنی معتقد هستیم که اگر در جامعه‌شناسی وجود دارد، راه زودن آن روشی به نام «الف» خواهد بود. این دیدگاه به‌طور خاص دیدگاهی جامعه‌شناسانه در مواجهه با مسائل و پدیده‌هاست که از جمله آن‌هایی تواندهمین وفاق اجتماعی باشد. رویکرد دوم، رویکرد کلان‌نگرانه است. در نگاه کلان ما به سوی رهیافتهای فلسفی یا فرهنگی نظر داریم. پس هم می‌شود وفاق اجتماعی را از منظر تفکر و نظریه فرهنگی دید و هم می‌شود به آن نگاه جامعه‌شناسانه داشت. در نگاه جامعه‌شناسانه به‌طور عمده راه‌حل‌های استراتژیک یا دیرپا عرضه نمی‌شود بلکه عمدتاً برای حل موقتی، به یک آسیب، مسأله و پدیده نگاه می‌شود اما در دیدگاه فلسفی یا فرهنگی ما با یک نگاه کلان روبه‌رو هستیم و لزوماً برای یک پدیده خاص به مسائل و آسیب‌ها نگاه نمی‌کنیم. پس اگر بخواهیم نگاهی به وفاق اجتماعی داشته باشیم باید در ابتدا بگوییم که اساساً وفاق را به چه معنای می‌گیریم و دوماً بنیان و شالوده وفاق اجتماعی یعنی مناسبات و روابط در حوزه جمعی را بچه تفسیری نگاه می‌کنیم. می‌توانیم سه معنا برای وفاق در نظر بگیریم. یک معنای وفاق یعنی حرکت به سوی زیست مسالمت‌آمیز. در این دیدگاه تنش‌های جامعه کاهش پیدامی‌کند، به آسیب‌های جامعه توجه می‌شود و تلاش این است که آسیب‌ها کاهش یابند. پس ما به‌طور کلی وفاق را به معنای خاصی از زندگی در مناسبات در نظر می‌گیریم. معنای دوم وفاق، همگرایی است. یعنی اگر اختلاف دیدگاهی وجود دارد، آن اختلاف دیدگاه کم شود و به سوی دیدگاه نزدیکتر یا وحدتی حرکت شود. دیدگاه سوم، وفاق را به معنای مفهوم گفت و گو در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه وفاق لزوماً به معنای کنار گذاشتن ایده‌ای خاص در باب زندگی یا مناسبات جمعی نیست. وفاق به معنای ندیده گرفتن آرا یا واداشتن دیگران به ترک دیدگاه‌شان نیست؛ تصور غلط و شایعی که در جامعه ما راه افتاد این بود که وقتی از وحدت، همگرایی، وفاق و سازگاری صحبت می‌شود، به این معناست که دیدگاهی حذف شود و در مقابل دیدگاه دیگری مسلط شود. دیدگاهی کنار گذاشته شود و دیدگاهی جانشین شود!

در دیدگاه دیگری که نگاهی فرهنگی و فلسفی است، منطق گفت و گو حاکم است. در این دیدگاه ما باید فهم‌مان را از وفاق اصلاح کنیم. هر کس براساس افق نگاه خود، بینش و اقتضات وجودی‌اش فهمی از زندگی، از جامعه و از روابط بسا دیگران دارد. نباید بگوییم تسا زمانی که اینها هست و تا وقتی که اختلاف‌نظرها وجود داشته باشند، وفاقی صورت نگرفته است. اتفاقاً وفاق در عین تکرار دیدگاه‌ها، مشرب‌ها و زندگی‌ها شکل می‌گیرد. به هیچ‌وجه نباید انسانی، سرزمینی، جامعه‌ای و قومی را به ترک هنجارها، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها واداشت تا بگوییم وفاق یا سازگاری یا همگرایی صورت گرفته است؛ این فهمی غلط و فراقی است. در واقع فهم درست این است که در نگاه کلان انگارانه، انسان‌ها مشی و منظر خود را داشته باشند و در عین حال فهم درستی از دیگران کسب کنند. ما اگر دیگران را به مثابه بیگانه تلقی کنیم، فهم درستی از آرای آنها نخواهیم داشت، بنابراین در وفاق، افزودن شکل می‌گیرد، فریگی آرا و عقاید شکل می‌گیرد و نه کاستن و تحریف شدن افکار.

ادامه در صفحه ۱۲



گزارشی از فعالیت و دیدگاه‌های انجمن حمایت از کودکان کار

کودکان کار متولی ندارند

صفحه ۱۱ را بخوانید



۳ نمی‌توانی بگویی آموزش و پرورش، وزارت کار یا بهزیستی باید برای کودک کار و حقوق‌اش تصمیم بگیرد و ما دنبال این هستیم که یک نهاد فرآقدهای متولی حقوق کودک باشد. وقتی این اتفاق بیفتد، دیگر پرونده مسائلی چون بدرفتاری با کودکان در آموزش و پرورش بی‌نتیجه نمی‌ماند و مسائلی که کودکان و نوجوانان در محیط کار دارند چون ساعت کاری پیگیری می‌شود.

از درون متن گفت و گو با مدیر انجمن حمایت از کودکان کار

۲ حالا اوضاع کار کودکان با ۱۴ سال قبل تفاوت زیادی دارد. اگر آن روزها خیلی‌ها منکر وجود کودک کار می‌شدند، حالا دیگر همه‌مان در روز به این کودکان برمی‌خوریم.

انجمن حمایت از کودکان کار می‌خواهد یک وعده غذای گرم در روز را با صبحانه همراه کند؛ کمکمی به بچه‌های کار که اغلب سوءتغذیه دارند. اگر بخواهید برای بچه‌های بیمار تأمین بودجه کنید در سه شماره منابع تأمین می‌شود اما برای کودک کار این طور نیست. ما هنوز نتوانسته‌ایم حمایت موثر از این کودکان را به همه آموزش دهیم.

نگاه روز

مقابله با جافتادان ضد فرهنگ‌ها
در جامعه (۱)
ما و ضرورت بازبینی رفتار و افکار فردی

دارپوش قنبری

نماینده ادوار مجلس



فرهنگ مهم‌ترین معیاری است که می‌توان با آن میزان رشد و تعالی یک جامعه را در مسیر درست و کمال سنجید. فرهنگ در مجموع مقوله‌ای است که در حوزه آگاهی جا می‌گیرد. فرهنگ، هم به نوعی دیر تغییر می‌کند و به سادگی تغییرپذیر نیست و هم در تمام جوه زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. کاتال‌های شکل‌گیری فرهنگ متعدد هستند و در مجموع عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در هر جامعه‌ای به‌طور یکسان عمل نمی‌کنند. بسا توجه به مجموع عوامل تأثیرگذار و تأثیرگذاری یک عامل بر عامل دیگر، می‌توان ابعاد و عوامل متعددی را به‌عنوان تأثیر و تأثرات فرهنگ هر جامعه در نظر گرفت. در هر جامعه‌ای نظام آموزش و پرورش، خانواده، سیستم و نظام سیاسی، مساجد، کلیساها، گروه‌های دوستان و همسالان و رسانه‌ها از عوامل تأثیرگذار و مهم در شکل‌گیری فرهنگ هستند. البته مؤثر بودن هر یک از این عوامل بر فرهنگ، به میزان وزنی است که هر کدام از این عوامل می‌توانند بیابند و هر قدر که این وزنه بیشتر باشد تأثیرگذاری آن عامل بر فرهنگ جامعه بیشتر است. جامعه‌مانیز از این امر مستثنای نیست. تمام این عوامل در شکل‌گیری فرهنگ‌های موجود تأثیرگذار بوده‌اند و بعد از این هم اثر خواهند داشت.

جامعه ما نیز همانند سایر جوامع یکسری فرهنگ‌ها و آداب و عادات مثبت دارد و در کنار آنها، برخی فرهنگ‌های اشتباه را نیز شاهدیم. ویژگی‌های فرهنگی نامطلوب عمدتاً ناشی از فاصله بین گفتار و عمل مراجع و نهادهایی است که برای جامعه فرهنگ‌سازی می‌کنند. به‌عنوان مثال اگر رسانه‌ها و متولیان قدرت در ساخت کلام تبلیغاتی داشته باشند اما در مرحله عمل، عملکرد دیگری داشته باشند، نتیجه همان طور که مشخص است معکوس خواهد بود. اگر میان حرف و عمل سیاستمداران جامعه‌ای فاصله زیاد باشد، اثر معکوسی بر جامعه خواهند گذاشت و شاید همین رفتارها باعث ایجاد ضدفرهنگ‌ها شوند.

در هر جامعه‌ای سیستم حقوقی حاکم نیز تأثیرگذار است. نظام حقوقی حاکم برخاسته از نظام ارزش‌ها و آداب و رسوم نهفته در جامعه است. ما باید در نظر داشته باشیم که حقوق و قوانینی که در جامعه ما حاکم و جاری‌اند باید برگرفته از اعتقادات مردم، خواسته‌ها و نیازهای آنها باشد. اگر در قوانین هر جامعه‌ای نیازهای مردم در نظر گرفته نشود، خود قانون در مجموع عاملی می‌شود بر مقاومت مردمی. در این حالت مردم در مقابل قانون، موضع‌گیری منفی خواهند داشت. اینها عوامل مهم و مؤثری هستند که هر یک را باید به‌طور جدا و با دقت در نظر داشت. به‌ساور این قلم بسیاری از الگوهای فرهنگی نامطلوبی که در جوامع وجود دارد عمدتاً نتیجه فاصله میان حرف و عمل مراجعی است که در تولید فرهنگ نقش تأثیرگذاری دارند. متأسفانه این فاصله حرف و عمل در کشور خود ما نیز وجود دارد که ما را شاهد برخی ضدفرهنگ‌ها در جامعه کرده‌است که شوربختانه برخی از آنها به گونه‌ای در میان مردم جا باز کرده‌اند که فراموش شده این فرهنگ اشتباه است و ما هر روز برخی از این فرهنگ‌ها را که برخی از آنها ضداخلاقی نیز هستند در میان مردم عادی شاهدیم. متأسفانه خواسته یا ناخواسته آنها را تکرار می‌کنیم و حتی برای دقایقی به عمل و رفتاری که انجام می‌دهیم فکر نمی‌کنیم و حتی نگران این هم نیستیم که نسل بعد در حال الگوبرداری از ما است. شاید شروع مبارزه با این ضدفرهنگ‌ها یا فرهنگ‌های اشتباه این باشد که هر یک از ما برگشتی به خود داشته باشیم و نظری دوباره یا چندبار به رفتار و اعمال مان داشته باشیم.

